



نشریه بسیج دانشجویی
دانشگاه خوارزمی
دوره جدید، شماره ۱
فروردین ۱۴۰۳



در این شماره می خوانیم :
مسئله مواجهه با رژیم صهیونیستی
فوران آتشفشان ملتی مظلوم در ۷ اکتبر
در ضرورت مسئولیت پذیری
مصاحبه با دکتر عباسی
گزارش اردوی راهیان نور
تداعی؛ استراتژی مکتب تشیع
ما عرفک حق معرفتک غیر الله وغیری
داغ «شفا» و ماه بزرگ آسمان

نشریه بسیج دانشجویی
دانشگاه خوارزمی
دوره جدید، شماره ۱
فروردین ۱۴۰۳



سراغاز

سلام و عرض ادب خدمت دانشجویان دانشگاه خوارزمی
با از سرگیری انتشار شماره‌های جدید نشریهٔ سوره در خدمت شمایم و سعی مان بر این است تا با
نشریه‌ای در شأن دانشجویان خوارزمی پای حرف و صحبت همدیگر بنشینیم و بتوانیم
فضای گفتمانی خود را متناسب با رویدادهای داخل دانشگاه و موضوعات فرهنگی، علمی، سیاسی و...
حاکم بر جو کشور در قالب نشریه انتقال دهیم.
اینجا در کنار شما هستیم. می‌خواهیم با هم بنویسیم، با هم نقد کنیم و در کنار هم رشد و
پیشرفت کنیم. چه خوب است که در کنار فضای علمی دانشگاه بتوانیم نسبت به مسائلی که در
دانشگاه اتفاق می‌افتد و گاهی حقی است که باید از آن دفاع شود و گاهی مطالبه‌ای به حق،
بی‌تفاوت نباشیم و صدای خود را به گوش مسئولان برسانیم. نشریه یکی از گزینه‌های مناسب است
تا مطالب شما در آن نمایش داده بشود و به مسئولان منعکس شود.
گاهی جای خالی بعضی چیزها به مرور زمان حس می‌شود و بعد از مدتی آدمی پی می‌برد که اگر
در راستای هدفی قدم بردارد می‌تواند مؤثر باشد، از این رو بسیج دانشجویی دانشگاه خوارزمی (کرج)
نبود نشریه را حس کرد و گامی به سوی پیشرفت و آماده‌سازی شماره‌های جدید نشریه برداشته است.
همراه شما هستیم؛ نه، همراه هم هستیم در نشریهٔ «سوره».

مهدی باقری

مسئله مواجهه با رژیم صهیونیستی

مهرداد زارعی

سیزدهم فروردین رژیم غاصب صهیونیستی در اقدامی خارج از تمام هنجارهای انسانی اخلاقی و قانونی در شبیخونی بزدلانه و ناجوانمردانه هفت تن از سرداران و اعضای سپاه پاسداران را به شهادت رساند. خوش به سعادت این عزیزان که روح سبزشان در روضه رضوان بر خوان کرم ائمه اطهار همنشین شهدای مظلوم غزه شد. با نگاهی به اقدامات ماه‌های اخیر رژیم صهیونیستی می‌توان دریافت که قصد این رژیم کشاندن ایران به جنگی رودرروست. اما چرا کوچولویی چون اسرائیل چنین خوابی دیده است. این رژیم می‌داند که دارد با دم شیر بازی می‌کند. باید دریابیم که هدفش از این بازی آگاهانه و این حماقت چیست؟ به عقیده من چند واقعیت رژیم صهیونیستی را به این جنون کشانده است:



۱. قدرت اول منطقه بودن ایران: ایران در پرتو هدایت‌های رهبری به‌عنوان فرمانده کل قوا و با رشادات‌های سردار سلیمانی و دیگر دلوران سپاه قدس نشان داد که قدرت اول منطقه است و با اخراج آمریکا از منطقه این مسئله به همگان اثبات شد. اسرائیل برای کاهش این قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران گمان کرده اگر ایران را در یک جنگ درگیر کند، در هر صورت حداقل بهره‌ای که می‌برد کاستن از این قدرت و نفوذ است.

۲. تغییر سیاست‌های غرب در قبال خاورمیانه: گویا غرب و در رأس آن‌ها آمریکا در این مقطع و البته موقتاً تصمیم گرفته که تمرکزش را از صرف هزینه و جنگ‌افروزی و به هم ریختن خاورمیانه بردارد و به فلاکت اقتصادی خود و رقابتش با چین بپردازد. این می‌تواند به معنی کاهش مقطعی فشار بر ایران باشد؛ چیزی که اسرائیل اصلاً نمی‌پسندد و طبیعتاً سعی می‌کند با ایجاد یک جنگ پای متحد اصلی‌اش آمریکا را به منطقه خاورمیانه مجدد باز کند و آن را درگیر جنگ با ایران کند.

۳. ناکامی در براندازی و ایجاد شورش: اسرائیل و آمریکا سال‌هاست که در پی ایجاد هرج و مرج و شورش و اغتشاش در کشور ما هستند و در اغتشاشات آبان ۱۴۰۱ آخرین زورشان را زدند و به نظر می‌رسد متوجه شکست این سیاستشان شده‌اند و فهمیدند که مردم ایران هنوز پای نظام خود ایستاده‌اند و ناکارآمدی‌های مدیریتی و مشکلات اقتصادی نتوانسته شکاف چندانی میان ملت و حکومت ایجاد کند. حال که دشمن از این مسئله ناامید شده به جنگ و رویارویی مستقیم روی آورده است.

۴. نزدیک قله‌ایم: این واقعیتی است که: «نزدیک قله‌ایم» و در آستانه تبدیل شدن به ابرقدرتی جهانی. با نگاهی به پیشرفت‌های چشمگیر بعد انقلاب این نزدیکی به قله را به خوبی درمی‌یابیم. کافی‌ست بیندیشیم روزی که انقلاب کردیم کجای معادلات رشد جهانی بودیم و امروز علی‌رغم همه فشارهای سیاسی و تهدید نظامی و تحریم و جنگ و انواع دشمنی‌های ناجوانمردانه کجا هستیم؟ باورمندم جدای از پیشرفت‌هایی که مشهود است ایران در پس پرده به چنان پیشرفت‌هایی نائل شده است که عموم از آن بی‌خبرند اما «تار عنکبوت» را به لرزه انداخته است؛ به همین دلیل می‌خواهد با درگیر کردن کشورمان در جنگ به خیال خود مانع رسیدن ایران به قله و ابرقدرتی او شود.

۵. رسیدن اجل و تمرغ مذبحخانه: در میان عوام وقتی کسی بر اثر اقدام عجیبی می‌میرد می‌گویند آن کار اجلش بوده. شواهد نشان می‌دهد که حکومت رژیم غاصب به پایان نزدیک است و این‌ها چند شاهد بر این مدعاست: تظاهرات اعتراضی روزافزون شهرک‌نشینان صهیونیست علیه کابینه رژیم صهیونیستی، اعمال سرکوب علیه معترضان، فروپاشی قانون، تشکیل ائتلاف‌های شکننده و عدم امکان ایجاد اتحاد بین جریان‌های سیاسی، عدم موفقیت کنست برای تعیین یک کابینه مستقر، به وجود آمدن مشکلات عدیده بین سیاسیون و مذهبیون در سرزمین‌های اشغالی و افزایش مهاجرت در رژیم صهیونیستی و ناکامی در جنگ با حماس و گیر کردن در باتلاق. واقعیت این است که رژیم صهیونیستی در طول هفتادسال گذشته شرایطی به این شکنندگی در خود ندیده است. شکنندگی‌ای که امروز در حوزه‌های مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی نظامی و امنیتی برای رژیم صهیونیستی وجود آمده است و خبر از سقوط و زوال ای رژیم می‌دهد. زمانی که سر مرگی بریده می‌شود بال‌بال می‌زند و بر زمین غلت می‌زند و گردوخاک راه می‌اندازد. اسرائیل مفلوک به دنبال راه انداختن گردوخاکی است که البته اجل اوست.

این موارد موجب شده رژیم صهیونیستی سعی کند با کشاندن ایران به یک جنگ، پای متحدان غربی و منطقه‌ای‌اش را به این جنگ باز کند تا به خیال خام خودش به این ترتیب ایران را از پا در بیاورد. او از نبرد و ایستادگی ایران با نیمی از دنیا در دوران دفاع مقدس باخبر است، پس چه چیزی باعث شده تا چنین خطای محاسباتی احمقانه را انجام دهد؟ به عقیده من تحولات داخلی و به‌خصوص تغییر نسل این رژیم را خیالاتی کرده است. به نظر می‌رسد آن‌ها گمان می‌کنند نسل جدید دیگر چون نسل پیشین آرمان‌خواه و معتقد نیست؛ غافل از اینکه این نسل در وطن‌پرستی و

شجاعت چیزی از نسل قبل کم ندارد و گواهِش شهیدان مدافع حرم. جوانانی که برای حفظ ارزش‌هایشان کیلومترها آن‌سوتر از مرزهایشان اسلحه به دست می‌گیرند و می‌جنگند، قطعاً در دفاع از میهنشان سر می‌گذارند و جان می‌افشانند و این جوانان که برای برداشتن گام دوم انقلاب خیز برداشته‌اند، در ایران فراوان‌اند.



در پایان دو انتقاد جدی را متوجه دولت و مسئولان امر می‌دانم و آنان را موظف می‌دانم تا هرچه سریع‌تر در پی جبران کم‌کاری‌ها در این دو حوزه برآیند:

۱. ترمیم حفره‌های اطلاعاتی و تشدید حفاظت‌ها: در این حوزه حقیقتاً یک جای کار می‌لنگد. دیگر نمی‌توانیم شاهد این باشیم که نخبگان نظامی ما اینگونه ناجوانمردانه به شهادت برسند و کشور از نعمت وجودشان محروم شود. حفاظت‌ها باید تشدید شود، تعاملات با بخش‌های اطلاعاتی کشورهای همسایه باید تقویت شود.
۲. تشدید ناامنی‌ها در فلسطین اشغالی و نفوذ به قلب دشمن: انتقاد اساسی دیگر این است که باید تاکنون شاهد تحرکات و ایجاد ناامنی‌هایی در اراضی اشغالی می‌بودیم و کم‌کاری‌های صورت گرفته به هیچ‌وجه قابل اغماض نیست. حدود ۹ سال پیش رهبر انقلاب از تسلیح کرانه باختری مانند غزه به‌عنوان یک راهبرد اصلی برای کمک به فلسطین یاد کردند. اقدامات صورت گرفته در این حوزه چه بوده است؟ اگر اقدامی صورت گرفته چرا شاهد حمایت کرانه از حماس پس از طوفان الاقصی نبودیم؟ چرا تا کنون استراتژی مشخصی برای این امر تدوین نشده و اگر شده کی قرار است نتیجه بدهد؟ باید بر روی هدف متمرکز شد. باید دشمن را در خانه غصبی‌اش شکست بدهیم.

سیاست فشار بر نوار غزه با جداسازی و قطع امکان ارتباط آن با کرانه باختری و قدس تشدید شد و بدیهی بود که عدم ورود کالا موجب رکود اقتصادی و رشد بیکاری و فقر به حدود ۶۵٪ گردد. تحریم‌ها به شکلی خاص‌تر بر بخش بهداشت در غزه تأثیرگذار بوده و باعث شد که بسیاری از اقلام و تجهیزات پزشکی و دارویی کمیاب و نایاب شوند و بسیاری از بیماران ناچار می‌شوند برای معالجه ماه‌ها در انتظار عمل بمانند.

بر این ظلم‌ها سیاست اشغال روزافزون را نیز باید افزود. صهیونیست‌های افراطی با اشغال و شهرک‌سازی‌های پیاپی در پی آن هستند که ضمن ضمیمه کردن اراضی اشغالی فلسطینی و «فلسطینی‌زدایی» در این مناطق، هیچ حقوق شهروندی برای فلسطینی‌ها قائل نشوند و در صورت امکان آن‌ها را از نوار غزه، ساحل غربی و شرق بیت‌المقدس اخراج کنند. دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوپا) از آغاز سال ۲۰۲۲ دست کم ۳۹۹ مورد کوچاندن فلسطینیان بر اثر اعمال خشونت‌آمیز شهرکنشینان و یا ویرانی منازل و طرد ساکنان آن به ثبت رسانده است. به موجب حقوق بین‌الملل این شهرک‌ها غیرقانونی است. از سال ۱۹۴۸ میلادی شورای امنیت در مقام حافظ صلح و امنیت، ده‌ها قطعنامه در خصوص فلسطین صادر کرده که هیچ یک برای اسرائیل بازدارنده نبوده است. در واپسین قطعنامه‌ای که به شمار ۲۳۳۴ به تصویب رسید، شورای امنیت به اکثریت آرا شهرک‌سازی اسرائیلی را محکوم کرد و خواستار توقف آن در اراضی اشغال شده فلسطینی شد. اما اکثر این قطعنامه‌ها راهی به فعلیت پیدا نکرد و همچنان بی‌اثر مانده و جامعه جهانی در برابر گستاخی اسرائیل در برابر اراده جهانی نا کارآمد مانده و کاری از پیش نبرده است. اسرائیل همچنین با شهرک‌سازی به‌نحوی سازمان‌یافته از طریق ارتش خود و نیز خشونت مستمر شهرکنشینان یهودی مسلح علیه فلسطینی‌ها و ایجاد صدها ایست



فوران آتشفشان

ملتی مظلوم در ۷ اکتبر

سید هادی محمدی زاده

صحبت از فلسطین اگرچه با عملیات «طوفان الاقصی» و نبرد حماس با اسرائیل شروع شد، اما به قول جرج گالووی، نماینده سابق پارلمان بریتانیا: «درگیری امروز آغاز نشده، بلکه از روزی شروع شد که اسرائیل فلسطین را اشغال و مردمانش را آواره کرد و جنایت‌های فجیع متعددی را در حق آن‌ها مرتکب شد». آنچه در تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ رخ داد فوران آتشفشان خشم و بغض ملتی بود که سالیان است مورد ظلم و ستم واقع شده‌اند. برای نمودن این ظلم و ستم نه به آغاز آن، که تنها به ابتدای قرن حاضر می‌رویم. در سال ۲۰۰۶ که جنبش حماس در انتخابات پارلمانی پیروز شد، از سوی حکومت اشغالگر تحت محاصره قرار گرفت و یک سال بعد اسرائیل نوار غزه را موجودیتی متخاصم اعلام و مجازات‌های شدیدتری اعمال کرد و ورود کالا و سوخت و نیز ورود و خروج از غزه را ممنوع کرد. بالطبع شرایط پیش آمده زندگی شهروند فلسطینی را تحت تأثیر قرار داد.

ما و فلسطین

مسئله فلسطین برای چیستی و کیستی تک تک ما و آینده سیاست‌ورزی و نقش اخلاق و قانون در سیاست داخلی ما مهم است. اخلاق حکم می‌کند که نسبت به رنج‌های مردم فلسطین بی‌اعتنا نباشیم و در برابر ظلم‌های دولت اسرائیل از فلسطینیان حمایت کنیم، اما حتی اگر عواطف بشری را کنار گذاشته و با عقلانیت سراغ مسئله برویم، با یک دودوتا چهارتای عقلانی نیز درمی‌یابیم که بدون حل عادلانه مسئله فلسطین، آرامش و ثبات در خاورمیانه همچنان دور از دسترس خواهد ماند. اثرات مثبت حل اصولی این مسئله از طریق یک همه‌پرسی اصولی می‌تواند شامل تمام منطقه، از جمله کشور ما شود. امروز اصلی‌ترین وظیفه ما در حمایت از فلسطین دو چیز است: آگاهی و روشن‌گری.



ملت ایران و به‌ویژه جوانان باید نسبت به مسئله فلسطین آگاهی کامل داشته باشند تا بتوانند وظایف اسلامی، اخلاقی و انسانی خود را به‌خوبی در این رابطه بشناسند و به آن عمل کنند. امروز دیگر قضیه فلسطین یک فاجعه عربی نیست؛ بلکه موضوعی است که به همه جهان اسلام خصوصاً انقلاب اسلامی و کشور ایران مربوط می‌شود؛ به همین خاطر لازم است درباره مسئله تاریخی پیدایش اسرائیل، ریشه‌ها و اهداف آن بیشتر اطلاع کسب کنیم.

بازرسی در ساحل غربی و به قول عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر، با تبدیل نوار غزه به یک زندان بزرگ روباز، رنجی مدام و دورنمایی تیره را به مردم فلسطین تحمیل کرده که نمی‌تواند نتیجه‌ای جز مقاومت مسلحانه در برابر اشغالگر داشته باشد.

در کنار همه این‌ها جنایات روزانه اشغالگران و قتل‌عام فلسطینی‌ها ادامه یافته است؛ طی سالیان محاصره متجاوزان صهیونیست چهار جنگ ویرانگر بر غزه تحمیل کردند و علاوه بر انهدام ده‌ها هزار منزل و تأسیسات زیرساختی، هزاران غیرنظامی را به شهادت رساندند. در همین سال ۲۰۲۳ از ابتدای آن تا قبل از نبرد الاقصی بیش از ۲۵۰ فلسطینی از جمله ۳۸ کودک شهید شدند و اشغالگران بیش از ۵۲۰۰ فلسطینی را بازداشت و اسیر کرده‌اند.

باید اشاره کرد که از آنجا که مردم فلسطین تحت اشغال قرار دارند مطابق عرف بین‌الملل از جمله پروتکل الحاقی کنوانسیون چهارم مورخ ۱۹۴۹ حق مقاومت مسلحانه در برابر اشغالگر را دارند. جدای از مسئله آرمان و اعتقاد، مسئله حفظ حیات و دفاع از ناموس و وطن بزرگترین انگیزه برای مسلح شدن و نبرد با دشمن است. حال با در نظر گرفتن حق قانونی و مسلمی که ملت ساکن نوار غزه در دفاع از خود دارند و با کنار هم گذاشتن همه ظلم و جورهای که در این سالیان بر آنان رفته است، عملیات گردان‌های نظامی القسام در ۷ اکتبر نه آغاز جنگ که شکل دیگری از دفاع یک ملت در برابر دشمن است. با مرور آنچه گفتیم می‌توان سخنان محمد الضیف طراح و فرمانده «طوفان الاقصی» را بهتر درک کرد که گفت: «اشغالگر صدها جنایت در حق غیرنظامیان مرتکب شده و امروز آتشفشان خشم الاقصی، امت و مجاهدان سلحشور ما فوران می‌کند، امروز روز شماست که به دشمن بفهمانید، عمرش به سر رسیده است»

در ضرورت مسئولیت پذیری

مهرداد زارعی

مسئولیت در یک تعریف ساده یعنی «وظایفی که به عهده هر یک از ماست و انتظار می‌رود آن‌ها را انجام دهیم.» مسئولیت‌ها چگونه به وجود می‌آیند؟



با قرار گرفتن فرد در موقعیت جدید و اطلاق نقشی در آن موقعیت به وی، مسئولیت جدید برای آن فرد شکل می‌گیرد؛ برای مثال نخستین موقعیتی که من در آن قرار گرفتم موقعیت خانواده و نخستین نقش، نقش «فرزند پسر» بود. با به دنیا آمدن فرزند دیگر، من در کنار نقش قبلی در نقش «برادر» و «فرزند ارشد» نیز قرار گرفتم. با راه پیدا کردن به حلقه دوستان نقش «دوست» و در موقعیت مواجهه با خانواده واحد بالا و پایین نقشی دیگر با عنوان «همسایه» پیدا کردم. با رفتن به مدرسه نقش «دانش آموز» و با قرار گرفتن در تیم بسکتبال نقش «بازیکن» آن تیم را پذیرفتم. با ورود به دانشگاه پذیرای نقش «دانشجو» شدم و با حضور در مدرسه به عنوان معلم نقش «دبیری» را قبول کردم.

طبیعتاً قرار گرفتن در موقعیت‌های جدید دیگر من را در نقش‌های دیگری قرار می‌دهد و مسئولیت‌های دیگری را به من محول می‌کند.

وظیفه بعدی ما روشنگری است و بر ماست که حقایق را به گوش جامعه برسانیم و لاقلاً در حد اطرافیان خود به ایضاح پردازیم. دانشجویان به عنوان قشر فرهیخته جامعه می‌توانند نقش ویژه‌ای در گسترش آگاهی جامعه نسبت به مسئله فلسطین داشته باشند و با روشنگری و تبیین حقایق تاریخی روحیه حق طلبی و دفاع از مظلوم را در میان مردم گسترش دهند. همچنین وظیفه مسئولین دانشگاه است که از تشکلهای دانشجویی و کانون‌های فرهنگی دانشجویان در این زمینه حمایت ویژه‌ای داشته باشند.

باری، «مسئله فلسطین، مسئله اول جهان اسلام است» مسلمین جهان و در رأس آن‌ها مسلمانان فلسطین، تا رهاسازی قدس از پای نخواهند نشست و آرام نخواهند گرفت.



نقش‌های مختلف هرکدام برای فرد مسئولیت‌هایی ایجاد می‌کند. چرا؟ چون این نقش‌ها همان است که هویت فرد را می‌سازد و فرد وقتی می‌تواند برای تعریف بخشی از هویتش خود را به نقشی منتسب کند که وظایف تعریف شده و مورد توقع جامعه برای آن نقش را به خوبی انجام دهد. اینکه من صرفاً سر کلاس حضور پیدا کنم بی‌آنکه وظایف یک دبیر را انجام دهم من را دبیر نمی‌کند و هویت دبیری را برای من تثبیت نمی‌کند؛ چون دیگران آن را به رسمیت نمی‌شناسند.

افراد در نقش‌های مختلف، مسئولیت‌های مختلف دارند. اگرچه ممکن است بعضی افراد مسئولیت‌های بیشتر یا مهم‌تری داشته باشند، اما هیچ فردی نیست که مسئولیتی نداشته باشد. طبیعتاً هر چقدر موقعیتی که فرد در آن قرار می‌گیرد و نقشش حساس‌تر و سنگین‌تر باشد، وظایف محوله سنگین‌تر و تعهدش نسبت به انجام وظیفه باید به همان اندازه بیشتر باشد. شاید اشاره به آنچه از شهید رجایی نقل شده اهمیت نقش‌ها و سِمَت‌های سنگین را بهتر نشان دهد. نقل است از شهید رجایی که گفته:

«در جهنم خدا یک جایی قرار داده که فشار عذاب آن، مساوی است با گناه ۳۶ میلیون انسان (اشاره به جمعیت کشور در سال ۱۳۶۰)؛ آنجا جای من است.»

شاید بتوان مسئولیت‌ها را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. مسئولیت‌هایی که باید در قبال آن‌ها به فرد یا افرادی پاسخگو باشیم؛ مثلاً پذیرفتن یک نقش و مسئولیت در محیط کاری، یک تیم ورزشی یا نقش فرزندی که به ترتیب باید به مقام مافوق، مربی و والدین پاسخگو بود؛
۲. مسئولیت‌هایی که در آن به فرد یا افرادی مشخصی پاسخگو نیستیم؛ نظیر نقش شهروندی.

البته برای دسته دوم گاه جامعه با ابزارهایی و در رأس آن‌ها قانون تا حدودی انجام وظایف را کنترل می‌کند، اما در این دسته عامل کنترل اصلی خود فرد و وجدان اوست. اینجاست که مفهوم جدیدی که کاملاً در ارتباط با مسئولیت است مطرح می‌شود و آن «تعهد» است. تعهد یعنی اینکه شخص خود را نسبت به انجام کارهایی که مسئول آن‌هاست ملزم بداند. مسئولیت‌پذیری از احساس تعهد درونی ناشی می‌شود. فردی که مسئولیتی را می‌پذیرد در قبال عملکرد خود نیز پاسخگو است. بر این اساس «اصل مسئولیت‌پذیری» را باید «تعهدی» بدانیم که جامعه و شهروندان آن در قبال وظایف، اقدامات و نتایج تصمیمات در نقش‌های اجتماعی خود دارند. این اصل مستلزم پذیرش نقش، در نظر گرفتن پیامدهای اخلاقی و نتایج اقدامات، پذیرش عواقب تصمیمات و تصمیم‌گیری‌های آگاهانه است. افراد باید نسبت به انجام مسئولیت‌هایشان در نقشی که می‌پذیرند در خود حس تعهد داشته باشند. اگر هویت خود را با نقشی تعریف می‌کنیم باید به مسئولیت‌های آن نقش نیز متعهد باشیم تا جامعه آن هویت را در مورد ما بپذیرد. دانشجویی که از دانشجو بودن، حضور گاه‌وبیگاه سر کلاس و پاس کردن واحدها به هر طریقی و بدون درست درس خواندن را پیشه کرده است، دانشجوی واقعی و دانشجویی که جامعه از او انتظاراتی دارد نیست. او فقط موقعیت دانشجو بودن را اشغال کرده و صرفاً کارت دانشجویی دارد. اینکه بگوییم ما انگیزه‌ای برای خواندن نداریم چون این جامعه و این حکومت برای ما موقعیت کاری ایجاد نمی‌کند، از ما سلب مسئولیت نمی‌کند که وظایفمان را انجام ندهیم. کاهش شأن دانشجو و کمرنگ شدن هویت دانشجویی در سالیان اخیر، فارغ از مدرک‌فروشی برخی شبه‌دانشگاه‌ها به دلیل عدم مسئولیت‌پذیری دانشجویان نیز هست.

تک تک افراد جامعه برای آنکه بخواهند زندگی ایمن و توأم با آرامشی داشته باشند که در آن به اهدافشان دست بیابند باید با مسئولیت پذیری رفتار کنند؛ زیرا زندگی در جامعه امروزی حتی در محیط روستا بر اساس تقسیم وظایف پیش می رود و اگر بنا باشد هر فرد در جامعه از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند و به وظایفش عمل نکند فرایند زندگی در جامعه مختل می شود. پایبندی به اصل مسئولیت پذیری، فرهنگ اعتماد، احترام متقابل و حرفه ای بودن را در محیط جامعه پرورش می دهد و باعث افزایش بهره وری، رضایت شهروندان و موفقیت کلی و تحقق اهداف جامعه می شود.

مسئولیت پذیر بودن و وجود حس تعهد درونی در انجام وظایف، جدای از اعتلای جامعه موجب پیشرفت شخصی و رشد افراد نیز می شود. فردی که مسئولیت پذیر است در امور زندگی و کار به موفقیت نسبتاً بیشتری دست پیدا می کند. این افراد می توانند جایگاه های شغلی بسیار بهتری را کسب نمایند، زیرا کارفرمایان و مدیران معمولاً دوست دارند وقتی وظیفه ای به کسی می سپارند، از انجام آن و پاسخگویی فرد اطمینان داشته باشند و افراد مسئولیت پذیر دقیقاً دارا چنین خصوصیتی هستند. هیچ کس دوست ندارد کارهای خود را به فردی بسپارد که هیچ تعهدی نسبت به انجام آن کار ندارد. به همین جهت اگر کسی مسئولیتی را به عهده فردی مسئولیت پذیر قرار دهد، می تواند خیالی آسوده داشته باشد که در حقیقت وی قصد از سرباز کردن ندارد و با تمام وجود سعی می کند کار را به نحو احسن و مطابق با خواست فردی که مسئولیت را به وی محول کرده انجام دهد و رضایت وی را جلب نماید.

مسئولیت پذیری علاوه بر جلب اعتماد دیگران، برای خود این افراد نیز ذهن بازتر و آرامش بیشتری را به ارمغان می آورد؛

زیرا این افراد معمولاً احساس مفید بودن می کند و همین موجب می شود اکثراً دارای روی گشاده و خوش اخلاق باشند. مسئولیت پذیری همچنین باعث می شود این افراد مرتب در اجتماع مورد تأیید دیگران قرار گیرند و همین موضوع موجب می شود اعتماد به نفس آنان به شدت بالا رفته و شرایط روحی بهتری در اثر این حس مثبت و مفید بودن پیدا کنند. علاوه بر این، این افراد از آنجا که به خاطر حس مسئولیت پذیری و اعتمادی که ایجاد می کنند معمولاً پله های ترقی را به سرعت بالا می روند، احساس ارزشمند بودن به آن ها دست می دهد و در نتیجه عزت نفس آنان نیز به طور چشمگیری تقویت می شود.



چه کنیم که مسئولیت پذیری در ما تقویت شود؟

در ادامه چند موردی که می توانند به تقویت

مسئولیت پذیری در ما کمک کنند ذکر می کنیم:

* نخستین مسئله تقویت حس تعهد درونی است؛ اینکه

ما در هر نقشی خود را موظف بدانیم بدون آنکه مقام

ما فوق یا جامعه وظایفمان را به ما گوشزد کند آن وظایف

را انجام دهیم و به این شکل نزد وجدان خود و خدا

آسوده خاطر و خرسند باشیم.

* در هر نقش جدید که قرار گرفتیم و هر کاری را که قبول

کردیم، حتماً آن را انجام دهیم؛ زیرا اگر فردی وظیفه ای

را بپذیرد ولی آن را انجام ندهد،

مصاحبه با دکتر عباسی نماینده منتخب مردم کرج در مجلس دوازدهم



سلام و عرض ادب جناب دکتر عباسی. ممنون که این فرصت را در اختیار بنده قرار دادید تا با شما مصاحبه‌ای داشته باشم. سال نو و ماه مبارک رمضان را خدمت شما تبریک عرض می‌کنم و سلامتی و توفیق در خدمتگزاری در سال جدید را از خدا برای شما مسئلت دارم. طاعات و عباداتتان قبول درگاه حق.

به‌عنوان سؤال نخست خواستم از شما بپرسم با توجه

به شعاری که مقام معظم رهبری برای امسال در نظر

گرفتند، یعنی «جهش تولید با مشارکت مردم» و از آنجا

که شما نماینده مردم هستید، به نظر شما چطور می‌توان

مشارکت مردم را در امر تولید افزایش داد و برنامه مجلس

آتی در این حوزه چه باید باشد؟

سلام عرض می‌کنم خدمت شما. با تبریک سال نو و

آرزوی قبولی طاعات و عبادات، قبل از اینکه به سؤال

شما پاسخ بدهم وظیفه خودم می‌دانم که جنایات رژیم

صهیونیستی در غزه را محکوم کنم و سکوت

جامعه جهانی مدعی حقوق بشر در قبال این جنایات را

گوشزد کنم و به آنها اعلام کنیم تنم آبروی رفته‌شان را

حداقل در این ایام

«عادت عدم مسئولیت‌پذیری» در وی تقویت می‌شود و وی به بدقول بودن و غیرقابل اعتماد بودن عادت می‌کند. حتی در صورت سخت بودن کاری که قبول کرده‌ایم، ثابت قدم بمانیم و به اصطلاح کم نیاوریم.

* یکی دیگر از مواردی که باید برای مسئولیت‌پذیر شدن روی آن کار کرد این است که دیگران را مقصر ندانیم و مسئولیت کارهای خود را بپذیریم. اشتباهات خود را بپذیریم. این پذیرفتن اشتباه به جای مقصر کردن دیگران موجب می‌شود به خوبی از آن درس بگیریم و در دفعات بعدی دیگر آن را تکرار نکنیم.

* سعی کنیم داوطلب کارهای جدید شویم و در چالش‌های جدید کاری مشارکت فعال داشته باشیم.

* حتی می‌توانیم به شیوه مرسوم و توصیه شده در

برخی کتب روانشناسی بابت اجرای مسئولیت‌های

محواله به خود پاداش‌های کوچکی دهیم تا به تدریج

برای انجام مسئولیت‌ها به یک نظم و روال

مشخص برسیم. شکی نیست شهروندان

مسئولیت‌پذیر با انجام درست وظایف روزانه خود

و پیروی از قوانین و اصول جامعه، یک فرهنگ

مسئولیت‌پذیری در جامعه بنا می‌کنند که هم پیشرفت

مشاغل فردی و هم افزایش بهره‌وری و موفقیت جامعه

را به دنبال دارد.

حفظ کنند و در رابطه با این جنایات وحشیانه‌ای که در غزه اتفاق می‌افتد عکس‌العملی داشته باشند.

حضرت آقا سال را به‌عنوان «جهش تولید با مشارکت مردم» نام‌گذاری کردند، اگر به اصول پیروزی انقلابمان که یک حکومت طاغوتی را با وجود حمایت‌های جهانی سرنگون کرد، توجه کنیم می‌بینیم یک پایه آن وحدت و حضور مردم، یک پایه آن ایمان به خدا و پایه دیگر آن رهبری امام راحل بود؛ بنابراین حضور مردم و مشارکت مردم همیشه در هر برهه‌ای از زمان یکی از مؤلفه‌های اصلی انقلاب ما بوده است. در جنگ نیز به همین صورت، اگر ما با وجود آشفتگی‌هایی که در اوایل انقلاب وجود داشت و در یک نظام نوپا که کاملاً مستقر نشده بود و با حداقل امکانات و تجهیزات پیروزی داشته‌ایم، به واسطه حضور مردم بود که توانست جنگ را به نفع نظام اسلامی خاتمه بدهد؛ بنابراین تجربیات این چنینی به ما نشان داده است برای عبور از گردنه‌ها حضور مردم می‌تواند مؤثر باشد. در تولید هم به همین شکل است و در اقتصاد هم اگر ما می‌خواهیم موفقیتی داشته باشیم، آن موفقیت حتماً مرهون این است که مردم با این اقتصاد همراهی کنند و در تولید اگر مردم حضور داشته باشند و خود را مؤثر بدانند، حتماً این حضور مردم منجر به این خواهد شد که جهش تولید اتفاق بیفتد.



اگر در کشور تورم و گرانی است به این خاطر است که تولید یا عرضه در کشور ما متناسب با تقاضا نیست، یکی از راه‌های متناسب کردن عرضه با تقاضا این است که تولید را تقویت کنیم و یکی این است که تقاضا را کنترل کنیم؛ زیرا گاهی تقاضاها تقاضاهای غیرواقعی و کاذب است. در هر دو حالت مردم باید حضور داشته باشند. من فکر می‌کنم که اولین کاری که باید انجام بدهیم این است که از نظر فرهنگی به مردم این آموزش را بدهیم که در جامعه اسلامی کار ارزش است همان‌طور که در قرآن آمده است: «لیس الانسان الا ما سعی». ولی امروز بعضی وقت‌ها در برخی جوانان و مردم می‌بینیم رگه‌هایی که ضدتبلیغ‌ها تأثیر گذاشته و کار دیگر در جامعه برای خیلی‌ها ارزش نیست و برعکس دلالتی و واسطه‌گری به ارزش تبدیل شده است.

برخی دوست دارند که یک شبه ره صدساله را بروند و اتفاقاتی در کشور رقم بخورد که به ضرر همه مردم تمام خواهد شد؛ بنابراین ما باید در موضوعات فرهنگی سعی بکنیم که کار و تلاش را به «ارزش» تبدیل کنیم و همه مردم با کار و تلاش عجین بشوند و با تولید به درآمد مناسب برسند.

ما در مجلس یازدهم یکی دو قانون را تصویب کردیم و امید داریم اجرای کامل این قوانین که در دست اجرا هستند، مردم را در امر تولید کمک کند.

یکی از این موارد، تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار است. این قانون که ما تصویب کرده‌ایم به مردم این امکان را می‌دهد که بتوانند سهل‌الوصول به مجوزها دسترسی پیدا کنند. اولین پایه کار و ورود مردم به عرصه تولید مجوزهای کسب‌وکار است که با این قانون مصوب، تسهیل می‌شود.

بحث دیگری که ما در مجلس به آن پرداختیم قشر جوان تحصیل کرده‌ای هستند که پس از پایان تحصیلات تنها آورده‌شان مدرکی است که در دست دارند و بعضاً خیلی جاها این مدرک برایشان نفعی هم نداشته و صرفاً

مدرک‌گرایی را تقویت کرده‌ایم. ما در مجلس یازدهم به دنبال این بوده‌ایم که مهارت‌آموزی را در حوزه آموزش و پرورش و دانشگاه‌های مختلف داشته باشیم تا فردی که از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد بتواند مهارتی داشته باشد که با آن مهارت بتواند کسب‌وکاری را راه‌اندازی کند. مسئله بعد حمایت تسهیلاتی از تولید بود که به‌هرحال برای تولید به نقدینگی نیاز است و بانک‌ها باید این کمک را بکنند و وظیفه اصلی خودشان که واسطه‌گری بین دارندگان منابع مالی و نیازمندان منابع است را انجام بدهند. خودشان بنگاه‌دار نباشند. اگر این واسطه‌گری درست صورت بگیرد می‌توانیم مشارکت مردم را داشته باشیم. در مجلس به دنبال این مسئله نیز بوده‌ایم. قانون جهش تولید دانش‌بنیان هم یکی از مواردی هست که می‌تواند مشارکت مردمی خصوصاً مشارکت قشر تحصیل‌کرده و جوان ما را در جهش تولید رقم بزند. انشاءالله با نظارت بر حسن اجرای این قوانین مصوب شده بتوانیم شعار سال را محقق کنیم.

اولویت‌های کشور که مجلس باید در اسرع وقت در دستور کار قرار بدهد و بدان پردازد چیست؟

شعار سال یک راهبرد است که از طرف شخص اول مملکت ابلاغ می‌شود و این راهبرد بر اساس نیازها و اقتضائات روز کشور است. ما شاهد این هستیم که در بیست سال گذشته اقتصاد و تولید یکی از پرتکرارترین شعارهایی بوده که مطرح شده؛ بنابراین ما باید در مجلس دوازدهم هم به‌مانند مجلس یازدهم به تمام موارد مربوط به تولید و اقتصاد توجه داشته باشیم. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در این حوزه باید به آن توجه کرد و در ابتدای سخنانم هم به آن اشاره کردم مسئله «فرهنگ» است. ما اگر بتوانیم فرهنگ کار و تلاش را در جامعه نهادینه کنیم و کار و تلاش را به یک ارزش تبدیل کنیم، مطمئناً اتفاقات خوبی در کشور خواهد افتاد؛ پس یکی از موضوعات اصلی ما در مجلس دوازدهم پرداختن به مصوبات پیشین و تکمیل آن در

حوزه اقتصاد مردمی‌سازی آن بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی است.

همچنین از مقوله فرهنگ نباید غفلت داشته باشیم. جدا از فرهنگ کار و تلاش که در بخش قبل به آن اشاره کردم نظارت بر فضای فرهنگی کشور هم از اهمیت بالایی برخوردار است. ما امروزه در کشور یک ولنگاری را در حوزه مسائل فرهنگی و خصوصاً حجاب و عفاف مشاهده می‌کنیم که این زیننده نظام اسلامی نیست. حضرت آقا فرمودند که کشف حجاب یک حرام شرعی و یک حرام سیاسی است که به هر دو مقوله‌اش باید پرداخته شود چون ما نظاممان یک نظام اسلامی است، حرام شرعی برگرفته از نظام اسلام و دیگری هم قانون است که به‌هرحال باید رعایت شود و این کار مقابله با نظام اسلامی و دهن کجی به قوانینی است که در مجلس مصوب شده است؛ بنابراین در حوزه فرهنگی بحث حجاب و عفاف و حتی ساماندهی فضای مجازی یکی از موضوعاتی است که باید پیگیری شود. یکی دیگر از موضوعات پرداختن به تقویت بنیه ایمان و امید مردم است که این‌ها باز نیاز به کارهای فرهنگی دارد و متولیان فرهنگی از آموزش و پرورش و آموزش عالی و فرهنگ و ارشاد و میراث فرهنگی رفته تمام این دستگاه‌ها باید وظیفه‌شان را در این حوزه انجام بدهند. ما نیز در مجلس اگر نیاز به تصویب قانونی در این زمینه وجود داشته باشد، به‌جد آن را دنبال خواهیم کرد.

از آنجا که نسبت به امر مهم انتخابات تدبیر و دوراندیشی باید داشت، اکنون که در آغاز شروع به کار مجلس دوازدهم قرار داریم، به عقیده شما عملکرد مجلس چطور باشد می‌تواند به افزایش مشارکت مردم در انتخابات بعدی مجلس کمک کند؟

حضرت آقا در سالگرد رحلت امام جمله‌ای را مطرح فرمودند و در پیام نوروزی‌شان هم تأکید مجددی داشتند به تقویت ایمان و امید مردم.

اگر ما به این دو مؤلفه توجه ویژه‌ای داشته باشیم، خصوصاً مؤلفه امید مردم مطمئناً مردم انگیزه پیدا خواهند کرد و در انتخابات بعدی مشارکت بالایی خواهند داشت، ولی اگر ما در جامعه مدام آیه یأس بخوانیم و ناامیدی تزریق کنیم مردم به این نتیجه می‌رسند حضورشان در انتخابات و مشارکت در تعیین مسئولین تفاوتی در وضعیت زندگی آنها ایجاد نخواهد کرد؛ ولی اگر مردم نماینده مجلسی را انتخاب کنند که به دنبال مسائل شخصی و حزبی و منافع مجموعه خاصی نباشد، بلکه به منافع و مسائل ملی و مردم توجه داشته باشند، مطمئناً مردم امیدوار می‌شوند که در انتخابات شرکت کنند و افراد را انتخاب کنند؛ چون تفاوت را می‌بینند. پس ما اگر به دنبال افزایش مشارکت در انتخابات هستیم باید حتماً کارآمدی، رضایتمندی و مصالح ملی را در دستور کار خود قرار دهیم. مردم متوجه این مسئله می‌شوند و درک می‌کنند؛ بنابراین از همین ابتدای مجلس دوازدهم باید به دنبال این باشیم که به مردم جامعه این پیام را منتقل کنیم که ما به دنبال حل مسائل و مشکلات کشور و دغدغه‌های مردم هستیم.



اگر این کار را انجام دادیم مطمئناً مردم انگیزه پیدا می‌کنند که در پای صندوق رأی حضور پیدا کنند چه برای استمرار این تفکر و چه برای آن فردی که نمایندگی این تفکر را انجام می‌دهد؛ بنابراین به طور خلاصه باید بگوییم که اگر به دنبال مشارکت هستیم باید امید را در مردم تقویت کنیم. امید هم این است که مردم حس کنند ما به دنبال حل مشکلات آنها هستیم.

بسیار سپاسگزارم جناب دکتر عباسی. در پایان می‌خواستم از شما دو مطالبه داشته باشم که یکی مربوط به دانشگاه است و دیگری در سطح استان. مطالبه مربوط به دانشگاه مسئله اختصاص بخشی از زمین دانشگاه به طرح دپوی متروی شهری است که دانشگاه مخالف این اقدام است. بسیج دانشگاه از مدتی است که در سطوح مختلف از استانداری گرفته تا حتی جناب دکتر مخبر پیگیر این مسئله شده است. با توجه به اینکه از زمین دانشگاه می‌شود برای طرح‌های علمی‌ای نظیر احداث پارک فناوری و مراکز دانش‌بنیان استفاده کرد، خواهشمندم به این مسئله ورود پیدا کنید و مسئولان ذی‌ربط را متقاعد کنید که مکان دیگری را برای این پروژه عمرانی شهر در نظر بگیرند. در حال پیگیری این مسئله هستیم.

اما مطالبه مربوط به استان مسئله نهضت ملی مسکن استان است. مستحضرید برای این کار پروژه‌هایی را در شهر جدید هشتگرد تعریف کرده‌اند که گویا با وجود آورده‌های مردمی و واریز اقساط اول و در مواردی دوم ساخت‌وسازها کاملاً متوقف شده‌اند! حال با توجه به اهتمام دولت و مجلس در مسئله مسکن و وجود زیرساخت‌های مناسب و زمین کافی در شهر جدید خواهشمندم پیگیر ادامه یافتن روند ساخت‌وساز در این مکان باشید.

در این مورد اطلاعات جزئی‌تری در اختیار بنده بگذارید، حتماً پیگیری خواهم کرد.

«منت خدای را عزوجل...»

از کجا معلوم؟

(نگارشی از اردوی راهیان نور ۱۴۰۲)

مهدی صادقی

شاید رزمنده‌ها هم در اتوبوس اعزامشان به مناطق، کلی می‌گفتند و می‌خندیدند. شاید آن‌ها خیلی بیشتر از ما مشتاق رسیدن بودند. از کجا معلوم؟

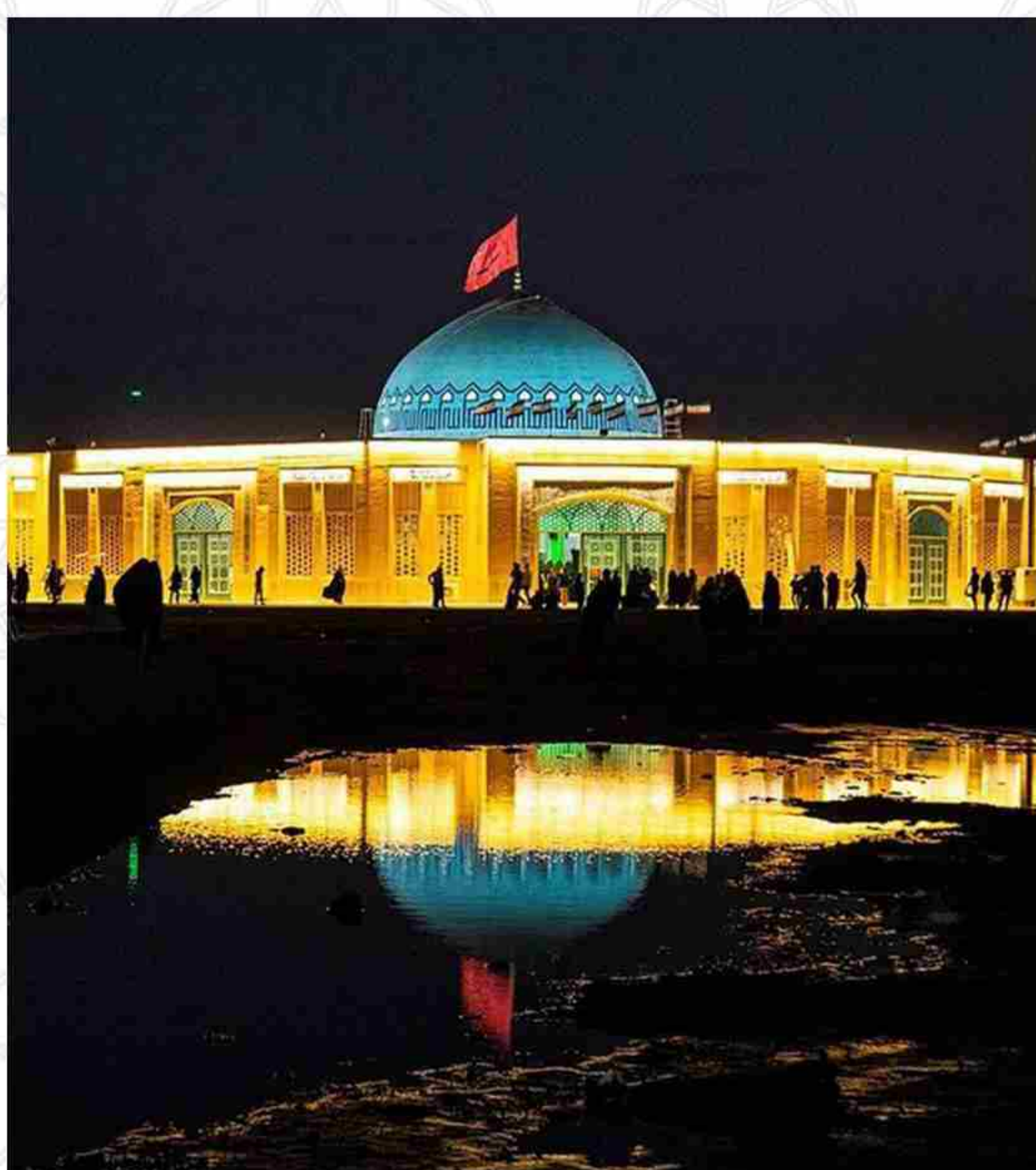
اردوگاه شهید کلهر اولین محل اسکان کاروان دانشجویی راهیان نور بود. شب ۱۷ اسفند ماه اندیمشک خنک و مطلوب بود. آنقدر خوب که تعدادی از بچه‌ها بعد از شام و جاگیر شدن در خوابگاه، بیرون آمدند تا در اردوگاه قدم بزنند.

شاید رزمنده‌ها هم با سرخوشی در هوای خنک و مرطوب اندیمشک، نفس‌های عمیق می‌کشیدند و خدا را بابت باران نهم‌نم شکر می‌کردند. شاید خیلی خالصانه‌تر از ما. از کجا معلوم؟



صبح جمعه یعنی ۱۸م، شاید شبیه یکی از روزهایی که رزمنده‌ها در آن رفت و آمد می‌کردند، مسافران سرزمین نور، آماده می‌شدند تا اولین روز بازدید از یادمان‌ها را شروع کنند. فتح المبین سرسبز، آسمان خوزستان صاف و دانشجوهای البرز منتظر شنیدن داستان آن منطقه. آقا حمید پارسا که این سرزمین را هم در زمان دفاع مقدس و هم طی این سال‌ها وجب به وجب زندگی کرده بود، شروع کرد. هم از داستان عملیات رشادت‌ها گفت و هم از داستان خیانت‌ها و مظلومیت‌های رزمنده‌ها...

یادمان بعدی فکه شمالی بود. موقعیت جوان نخبه شهید «غلامحسین افشردی» یا همان حسن باقری. راوی از قاطعیت، واقع بینی، ایمان به مردم و توکل سردار می‌گفت. بعد از روایت، دانشجوها چند دقیقه‌ای از محلی که معمولا شهید باقری از آنجا به خطوط دشمن نگاه می‌کرد و نقشه می‌کشید، مناظر مقابل را نگاه کردند. از کجا معلوم؟ شاید زمانی سردار باقری هم از پس خطوط و عقبه دشمن همین دشت سبز و زیبا را می‌دید. فکه هم داستان خونین دیگری داشت. راوی مشهدی با لهجه‌ای شیرین ماجرای تلخ به خون غلطیدن رزمندگان را تعریف می‌کرد. البته تلخی آمیخته با حماسه و زیبایی ایمان و درخشندگی شجاعت. هویزه، مشهد یکی دیگر از نخبه‌های دفاع مقدس و یارانش بود. «سید حسین علم الهدی» در هویزه غوغا کرده بود. راوی دهلاویه می‌گفت، آنجایی که نخبه‌هایی مثل باقری و علم الهدی و چمران ایستادگی کردند، دشمن متوقف شد و نتوانست با مهماتی که ۳۸ کشور مانند نقل و نبات به او می‌بخشیدند از سد ایمان فرزندان ایران و شاگردان روح الله عبور کند. ۱۹م به معنی واقعیت کلمه روز غربت بود. طلاییه و جزایر مجنون، از سه راهی شهادت و جوانانی می‌گفتند که با سلول سلول بدن‌شان از آبروی اسلام دفاع کرده بودند.



امام گفته بود حفظ جزایر، حفظ آبروی اسلام است و جزیره مجنون تنها راه حفظ دستاوردهایی بود که بابتشان خون داده بودیم. خون‌هایی با ارزش‌تر از الماس.. کانال کمیل با سکوتش نقل تشنگی شدید پس از خونریزی شدید مجروحین را می‌گفت. از پنج روز مقاومت در محاصره دشمن و سرانجام قطعه قطعه شدن زیر شنی تانک‌ها...



باد در شلمچه پس از رد شدن از میان ده‌ها ردیف سیم خاردار و میدان مین و موانع هشت پر، خود را به سینه دژ می‌کوبید و ماجرای افسانه‌گون رشادت و از خودگذشتگی افرادی را زمزمه می‌کرد که روزگاری خاک آن زمین را با خون خود سیراب کردند. شلمچه ایستگاه پایانی بود. دانشجو‌هایی که در آخرین یادمان دلشان خوب صیقل خورده بود، خالصانه روی خاک‌های پاک شلمچه نماز مغرب را خواندند و راهی پادگان حبیب‌اللهی شدند.

مناجات و روضه تعدادی از دانشجو‌ها که هر شب بر پا بود، شب آخر هم جمع نشد. قطعا رزمنده‌ها نیز مناجات‌ها و توسل‌های شبانه‌شان هرگز ترک و قطع نمی‌شد. حتی حالا از میان هزاران صفحه از تاریخی که بر ایران گذشته می‌توان صدای نجوای عاشقانه‌شان را شنید و گرمی اشک‌هایشان را حس کرد. از کجا معلوم؟ کافیت در این سرزمین کمی خاک‌ها و رمل‌ها را جا به جا کنید. هنوز زمین از اشک‌هایشان تراست و باد با شنیدن داستان عاشقانه‌شان بوی گلاب را در فضا غوطه‌ور می‌کند.



سخنان آقای هادی قاسمی، رئیس سازمان بسیج دانشجویی در مراسم وداع با شهید گمنام دانشگاه خوارزمی

هر کاری که ما انجام می‌دهیم، اول باید فلسفه‌اش را بفهمیم. اگر فلسفه کاری که انجام می‌شود را متوجه نشویم، آن کار صرفاً فعالیتی است که ممکن است به روزمرگی منجر شود، اما اگر فلسفه‌اش را بفهمیم نگاهمان به آن حیثیتی می‌شود و برای اینکه آن اتفاق رقم بخورد حاضریم برایش هزینه بدهیم و فداکاری کنیم تا به نتیجه برسیم؛ فلذا معرفت پیدا کردن نسبت به مأموریت، نصف بیشتر راه است.

می‌دانید امشب بناست چه کار کنید؟ و فردا قرار است چه اتفاقی در این دانشگاه بیفتد؟ شاید بد نباشد کمی راجع به این مسئله صحبت کنیم. جمله‌ای از بن‌گوریون نقل شده است که می‌گوید: پیرها می‌میرند، بچه‌ها فراموش می‌کنند. این البته راجع به ماجرای فلسطین گفته شده است ولی من می‌خواهم این جمله را گره بزنم به وضع فعلی خودمان. می‌خواهم خاطره سفر با عده‌ای از خبرنگاران رسانه‌های داخلی به سوریه و حضور در دانشگاه حلب را نقل کنم. با رئیس دانشگاه حلب جلسه‌ای داشتیم. او از این گفت که خون ما با خون شما آمیخته شده و درباره جنگ سوریه و اتفاقاتش توضیح داد. در جلسه خانم دکتری که مدیر گروه ادبیات فارسی دانشگاه حلب بود حضور داشت. بعد از پایان جلسه طی بازدیدی که با آن استاد از دانشگاه داشتیم از وی پرسیدم استراتژی فرهنگی شما نسبت به مسئله جنگی که در آن قرار گرفته‌اید چیست؟ او گفت: از آنجا که جنگ تلخ است ما قصد داریم با انجام مراسمی خاطره آن را از یاد مردم پاک کنیم. چون عزیزانشان را در این جنگ از دست داده‌اند. و پرسید شمایی که خودتان درگیر جنگ بوده‌اید، استراتژی فرهنگی‌تان نسبت به آن چگونه بود؟ من گفتم: برعکس شما عمل کرده‌ایم.

ما تمام تلاشمان را می‌کنیم که مردم جنگ یادشان نرود. برای مثال ما یک فستیوال سالانه فیلم داریم که بهترین فیلم‌های سینمایی‌مان هر سال در آن نمایش داده می‌شود. این فستیوال ژانری دارد به نام ژانر «دفاع مقدس» که عمده برگزیدگان این مراسم از فیلم‌های این ژانر هستند. علاوه بر سینما در موسیقی، نمایش، کتاب و برنامه‌های فرهنگی مختلف این ژانر وجود دارد. نامگذاری کوچه‌ها و خیابان‌ها به اسم شهیدان، بازدید و تکریم خانواده شهیدان، برگزاری کنگره‌های شهدا، اردوهای راهیان نور و یادآوری نام و خاطره شهدا طی این مراسم‌ها، تفحص شهدا و تشییع باشکوه پیکر شهدا و ... همه برای این است که مردم ما جنگ را فراموش نکنند.



نتیجه این استراتژی فرهنگی این است که سی سال پس از جنگ وقتی هزار کیلومتر آن سوتر جنگی در می‌گیرد که کشور مستقیم درگیر آن نیست، اما جهت جنگ به سمت کشور است، جوانان بسیاری اجتماع برگزار می‌کنند و التماس می‌کنند که «من هم باید برم». کسانی که هیچکس فکرش را نمی‌کرد. هدفم از نقل این خاطره چه بود؟ مهم این است که ما بدانیم برای چه امشب و فردا این کار را انجام می‌دهیم. شهید که تماماً خیر و برکت است اما اگر معادله ما فراموشی بود چه اتفاقی می‌افتاد؟ آیا در آن صورت ما این ملت حماسی را داشتیم که هزارهزار آن التماس کنند که برای دفاع از حرم بروند؟ نه. این چیست که در وجود من و شما نشست است؟ این اثر کار «تداعی» است.

برداشت من، به‌عنوان یک سلول فرهنگی در کشور، از اقدام شما در تدفین شهید در دانشگاهتان این است که می‌خواهید بگویید ما می‌خواهیم فراموش نکنیم و این منطق جلوی روی ما باشد. با این منطق است که ما پیروزیم، با این منطق است که دنیا و آخرتمان تضمین می‌شود. این منطق است که پیش برنده است و رواکننده حاجت که هم بُعد معنوی دارد، هم بُعد فکری و هم بُعد عملی. این منطق موجب حرکت می‌شود و ملتی را مقاوم می‌کند. ما پیرو مکتبی هستیم که برای زنده ماندنش از همین مدل تداعی استفاده شده است. مکتبی که ۱۴۰۰ سال است استراتژی تبلیغی‌اش تداعی و



یادآوری است. جلسات مذهبی و سوگواری‌ای که برگزار می‌شود همه برای یادآوری است. این منطق استراتژی‌اش این است که حتی اگر عددت کمتر باشد، اما به مسیری که می‌روی حقیقتاً معتقد باشی، به نتیجه می‌رسی. در مکتب ما اعتقاد بر این است که قدرت ۷۲ نفر بیشتر از ۳۰/۰۰۰ نفر است. با چنین منطقی حتی اگر در دانشگاه نیز در اقلیت باشی اشکالی ندارد، چراکه منطقت منطق جاودانگی است. می‌خواهیم با این منطق زندگی کنیم. انشالله که این شهید گمنام در دانشگاه خوارزمی یک نقطه عطف بشود. انشالله همگی عاقبت به خیر بشوید. این مسیری که دنبال می‌کنید مسیر درستی است و این ثابت شده است.



ما عرفک حق معرفتک غیر اللہ و غیری

ریحانه اصفهانی

بسم لله الرحمن الرحيم

قطعاً نه ما در مرتبه‌ای هستیم که حتی گوشه‌ای از دریای بیکران معرفت او را هویدا کنیم و نه شأن ایشان آن طور که شایسته است در قلم می‌گنجد. بلکه غرض طلب رخصت است از کسی که ماه خدا وام‌دار اوست و نیز طلب نور است برای فانوسمان در تیره‌راه جهالت. اندیشمندان و دانشمندان جهان اسلام از سال‌های ابتدایی ظهور اسلام از ابن عباس تا

جرج جرداق مسیحی در دوران معاصر همه وام‌دار آن الگوی تمام و کمال دانش‌اند. حتی عرفا و صوفیان قطره خود را به اقیانوس وجودی ایشان وصل می‌کنند. هر آنچه دانش است از ایشان ساطع شده است؛ از علم غیب تا علوم دنیوی و هر آنچه برای سعادت دنیا و آخرت بشر نیاز است از قضاوت تا طبابت و علوم تجربی که اغلب از ظرف زمان خود فراتر می‌رفت. احمد امین در مجلد سوم از «التکامل فی الاسلام» آورده است که با اشاره به آب رود به کمیل فرمود:

«یا کمیل! لو شئت ان اصیر من هذا الماء نورا لفعلت.»
ای کمیل! اگر بخواهم از همین آب نور بسازم، هرآینه می‌توانم. یا آنجا که سرنوشت افراد و وقایع را پیش‌بینی می‌کرد؛ خبر قتل امام حسین (علیه‌السلام)، گمراه شدن حبیب بن حمار، کشته شدن اعشی باهله توسط حجاج، خبر شهادت عمرو بن حمق، به دار آویخته شدن جویربه و میثم تمار و قطع دست و پای رشید هجری، خبر کشته شدن خوارج توسط آن حضرت، خبر غرق شدن بصره، خبر حمله تاتارها و خبر از اوضاع قرآن و جامعه اسلامی در آینده.

منشأ علم ایشان علم لدن، کلام الهی، قرآن و معلم و مربی‌شان رسول خدا و کلاس او عالم غیب بود و به همین دلیل است که علم او را به دریا تشبیه می‌کنند چرا که بی‌کرانی است فراتر از مکان، زمان، قوم و حتی دنیا؛ بی‌کرانی که عمیق و ذوالابعاد است.

مطالعه سخنان آن حضرت باب علمی مانند

گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی، حساب، ستاره‌شناسی،

فلسفه، الهیات، نحو، تاریخ، داروشناسی، طب،

زبان‌شناسی، حیوان‌شناسی، علوم نظامی را برایمان باز

می‌کند. اما مهم‌تر از آن علمی است که مبنای

تمدن‌سازی اسلامی بوده و هست. جرج جرداق در کتاب

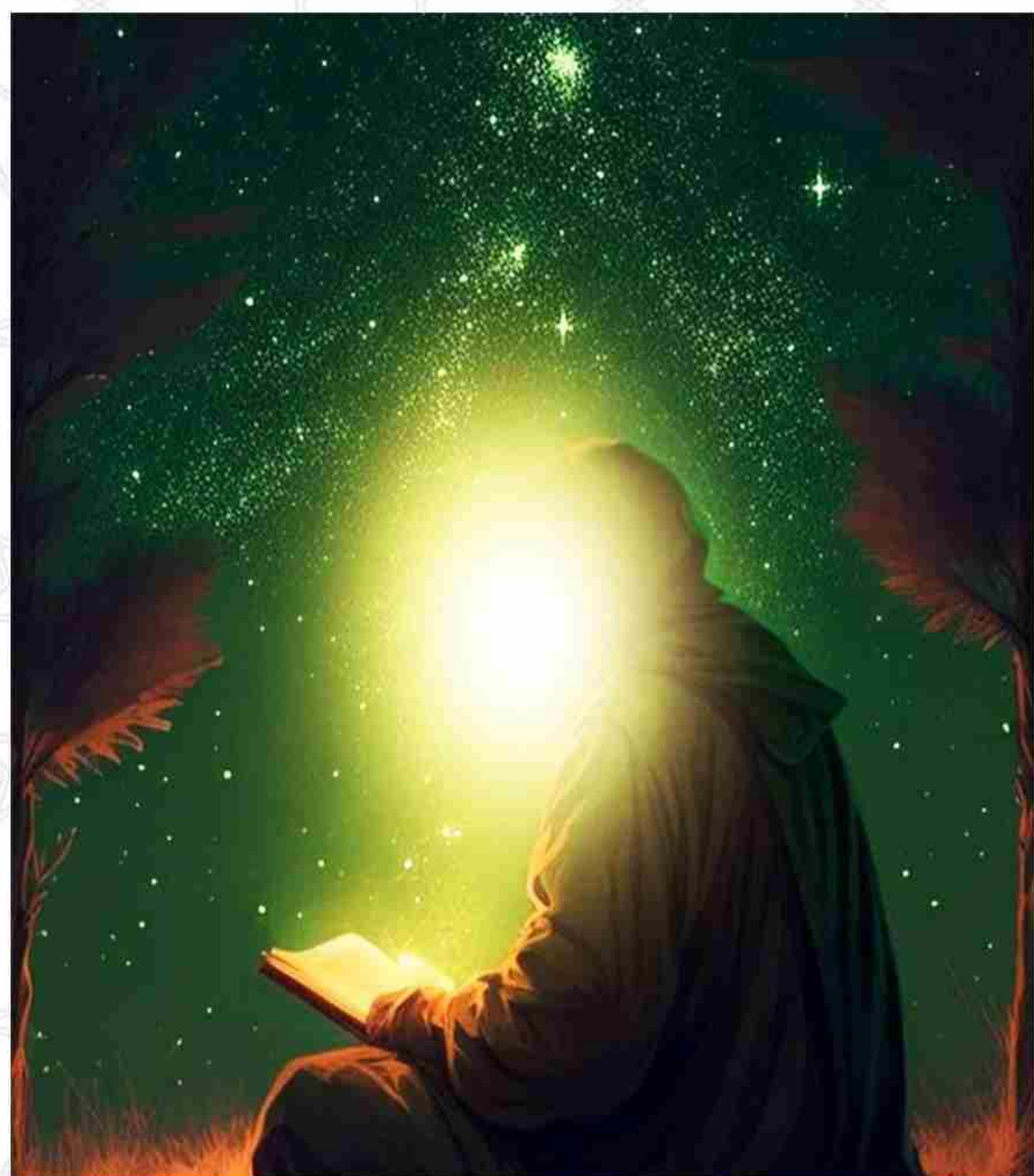
«امام علی علیه‌السلام صدای عدالت انسانی»، ایشان

را قطب اسلام و سرچشمه معارف و ادبیات عرب می‌داند

و می‌گوید، دانشی در عرب وجود ندارد، مگر آن که

اساسش را او پایه‌گذاری کرده یا در وضع آن،

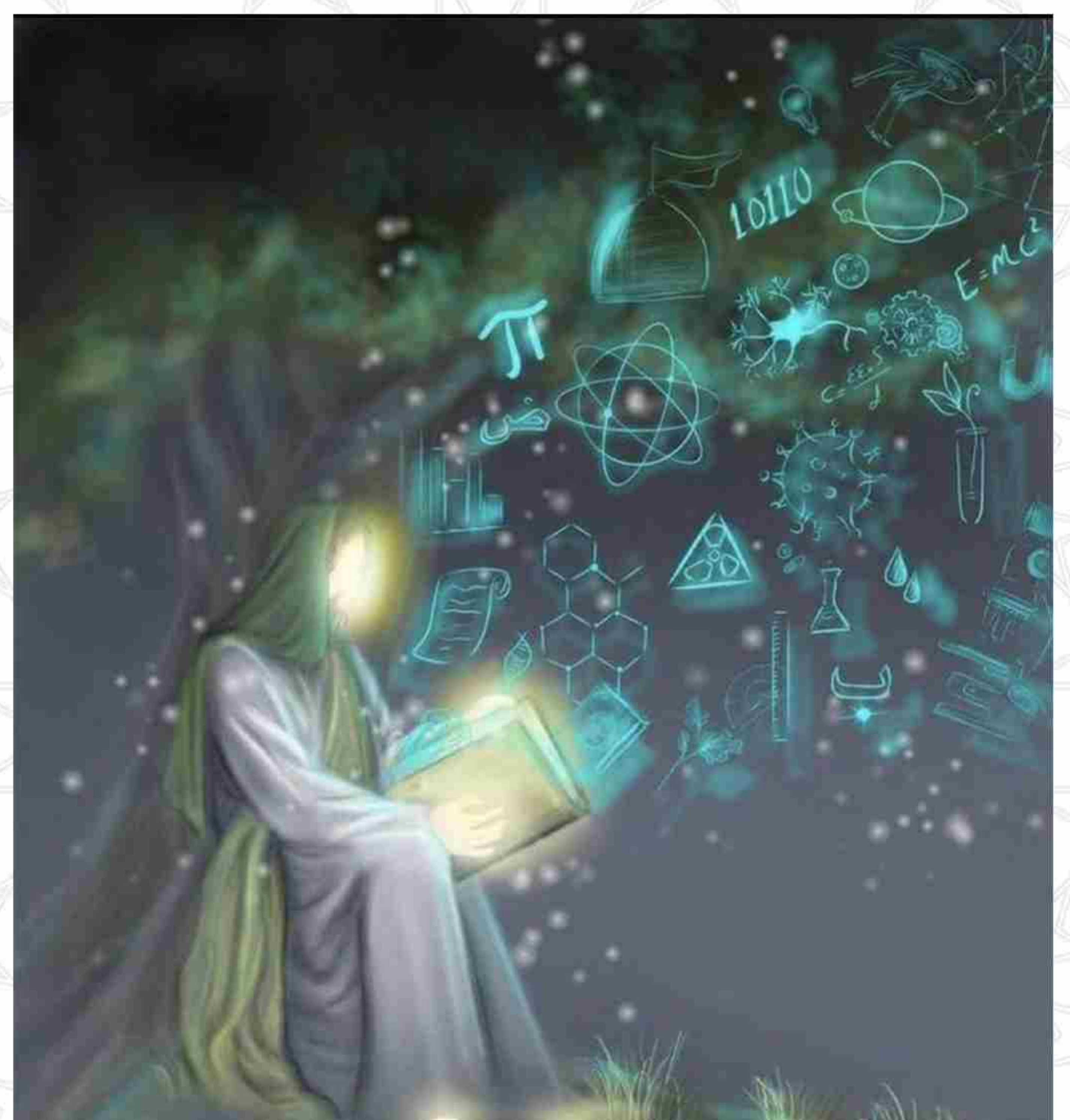
سهیم و شریک بوده است.



ایشان پایه‌گذار علوم انسانی - اسلامی هستند؛ چه در مقام عالم که به بنیان‌گذاری علمی چون ادبیات عرب پرداختند و پایه و اساس آن را بنا نهادند، چه در مقام مربی که علمای مکتب‌سازی همچون ابوالأسود دوئلی، علی بن ابی‌رافح، عبیدالله بن ابی‌رافح، سلمان فارسی و حارث همدانی را تربیت ساخت و بنیان مکتب کوفه

نهاده شد و کوفه مرکز علمی شد؛ و چه آنجا که در جایگاه حاکم به مقام دانشمندان ارج می‌نهند و می‌فرمایند: «الْعُلَمَاءُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ». توجه ویژه ایشان به تعلیم و تعلم در روایت امام باقر علیه‌السلام مشهود است که فرمودند امام بعد از به‌جا آوردن نماز صبح و تعقیبات آن ساعاتی چند تا طلوع خورشید به قشرهای مختلف مردم از جمله مستمندان و تهی‌دستان قرآن و علوم دینی می‌آموخت. رواج خردورزی و ترویج علم همواره از جمله توصیه‌هایشان به زمامداران بوده است؛ برای مثال در حکمت ۱۴۷ نهج‌البلاغه از کمیل بن زیاد نقل شده است: «ایشان دستم را بگرفت و مرا به‌طرف بیابان برد، چون به صحرا رسید، آهی از صمیم جان برکشید و گفت: «ای کمیل! دانش بهتر از مال است، زیرا علم، نگهبان تو است و مال را تو باید نگهبان باشی، مال با بخشش کاستی پذیرد، اما علم با بخشش فزونی گیرد و مقام و شخصیتی که با مال به‌دست آمده با نابودی مال، نابود می‌گردد.»

یا در نامه ۶۷ به قثم بن عباس در مکه یکی از وظایف اصلی کارگزارانش را تعلیم جاهلان می‌داند. همچنین در نامه ۵۳ می‌فرمایند:



«با دانشمندان، فراوان گفت‌وگو کن و با حکیمان فراوان بحث کن که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت.»
شخصیتی داشتند که حتی دشمنان و مخالفان به علمشان شهادت می‌دادند.

اما تفاوت اصلی ایشان با دیگر اندیشمندان در ناحیه قلبشان است؛ این لطیفه ربانی که جایگاه خداوند است. او خداوند را تمام و کمال دریافت کرد و از این رو خداوند عالم نیز سرچشمه دانششان بود. پیامبر اکرم (ص) در قول مشهور در نزد علما شیعه و سنی درباره ایشان فرموده‌اند: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَيَّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ»
و فردوسی کوشید که این جمله را در زبان فارسی جاودان کند:

که من شهر علمم، علی‌ام در است
درست این سخن قول پیغمبر است

داغ «شفا»

زمانه بر سر جنگ است و ظلم جانسوز است

به هوش! کرب و بلاى زمانه امروز است

شرار ظلم زنازادگان اسرائیل

به جان مردم مظلوم، داغ هرروزه است

هنوز داغ خبرهای قبل تازه ولی

«شفا» شرر زده بر قلبمان، جگرسوز است!

«به یاد روضه اهل خيام افتادم

که زخم تازه و گویا برای دیروز است

لهیب آتش و خیمه، زنان آل الله

که هتک حرمت و بزم شراب جانسوز است»

به وقت ظلم، علی ذوالفقار می چرخاند

که تیغ حضرت حیدر همیشه پیروز است

امید! بعد سیاهی، سفید می آید

قیام حیدر اگرچه برای دیروز است...

به دست مهدی موعود، ذوالفقار علی است

به هوش باش که این تیغ، خانمان سوز است!

بگو به ظلم، ظهور و قیام نزدیک است

که ظلم می رود و عدل و داد پیروز است!

علی طهرانی (واله)

ماه بزرگ آسمان

امیر حسین جابری

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ
كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»

«ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما واجب شد،

همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بودند واجب شده بود،

باشد که رستگار شوید...» (سوره بقره آیه ۱۸۳)

رمضان ماه میهمانی خداست؛ ماهی که خداوند در آن درهای

رحمت خود را به روی بندگان خود می گشاید، شیاطین جنی

در این ماه به بند کشیده می شوند، حسنات دو برابر آنچه

هستند در کارنامه ی اعمال مومنان ثبت می شود، دعا های

انسان از هر زمانی به بارگاه الهی نزدیک تر است و اجابتشان

سریع تر... ماهی که در آن به گفته ی امام صادق (ع) فقیر و

غنی، ضعیف و قوی، با هم دیگر برابر می شوند و ثروتمندان

نیز طعم گرسنگی و تشنگی فقرا را می چشند. از این روی است

که قلب های مومنین نسبت به یکدیگر نرم و رقیق می شود و

بیش از پیش دست یکدیگر را می گیرند و به هم کمک می کنند.

رمضان امسال، ملت های مسلمان، با روزه داری و گرسنگی با

برادران فلسطینی شان همدلی و همنوایی کردند.

فلسطینیانی که به گزارش سخنگوی سازمان ملل در

محاصره ی کامل جنایتکاران صهیونیستی، ۷۰ درصدشان با

خطر گرسنگی شدید روبرو هستند و سوء تغذیه، کودکان زیر

پنج سالشان را می کشد.

در چنین شرایطی مردم مسلمان جهان از هر گوشه و رنگ و

نژادی کمک های بی دریغ مالی خود را به فلسطینیان

می رسانند، چنانکه حضرت رسول (ص) فرمود: «در این ماه بر

فقرا و مساکین خود انفاق کنید.»

اکنون که در روز های پایانی رمضان هستیم، هم از نزدیکی

عید سعید فطر خوشحالیم و هم از فراق و اتمام این ماه عزیز

غمگین... امام سجاد (ع) در دعای ۴۵ صحیفه خود درباره

رمضان چنین می گوید: «درود بر تو که قبل از آمدنت سخت

در انتظارت بودیم و پیش از رفتن تو بر فراق محزونیم...»

به زودی در های رحمت آسمان بسته خواهند شد، تا فرصت

هست بیایید بیشتر قرآن بخوانیم، بیشتر ذکر بگوییم، نماز

بخوانیم و خدا را یاد کنیم. از خدا بخواهیم طاعات و عباداتمان

را پاک و خالص کند، نماز و روزه هایمان را بپذیرد، برای فقرا و

مساکین، آزادی مردم مظلوم غزه دعا کنیم و چنانکه

امام سجاد از خدا خواست، بخواهیم: «خدایا! عذر ما را در

کوتاهی هایمان بپذیر و عمر ما را تا ماه رمضان آینده برسان!»

آمین!





سوره

(ماهنامه بسیج دانشجویی دانشگاه خوارزمی)

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه خوارزمی

مدیرمسئول: ریحانه اصفهانی

سردبیر: ریحانه اصفهانی

صفحه آرا و طراح: محمدامین رسولی

هیئت تحریریه: مهرداد زارعی، ریحانه اصفهانی، مهدی صادقی، امیرحسین جابری، علی طهرانی،

سید هادی محمدی زاده

تقارن بهار طبیعت بابهار معنویت



نشریه بسیج دانشجویی
دانشگاه خوارزمی
دوره جدید ، شماره ۱
فروردین ۱۴۰۳